

روزنه بصیر



صفحه آرایی: محمد خالوئی

هیئت تحریریه:

فرزانه ابراهیمی ، زهرا بابایی ، فاطمه پزشکی ، حمیده جهانشاهپور ، حسین حاجی زاده ، محمد رحمانی پور ، نسیم سلطانی نژاد ، یاسمن صدر ، حمیدرضا شاهمیرزایی ، علیرضا شاهسونی، فاطمه شمسی ، رحمان فلاح باقری ، میثم محمدی،،مهديه نخعی

مدیر مسئول:حسین حاجی زاده

جانشین مدیر مسئول: رحمان فلاح باقری

سر دبیر: علیه محمدزاده

طنز ضمیر ناخود آگاه !!!

انسان جماعت یک چیزی دارد به نام ضمیر ناخودآگاه! این ضمیر ناخودآگاه اغلب به صورت خودجوش کارهایی می‌کند، مثلا چیزهایی را به حافظه‌ی خودش می‌سپارد و بعد در جای دیگری به یاد ما می‌آورد و باعث می‌شود ما برخی چیزها را با برخی دیگر از چیزها مقایسه کنیم!

ضمیر ناخودآگاه همه‌ی مردمان جهان مثل هم کار نمی‌کند. مثلا در برخی از مناطق، این ضمیر پرکار است و در برخی از مناطق کم‌کار. ضمیر ناخودآگاه همیشه با پرسش خودش را نشان می‌دهد، مثلا می‌پرسد: اگر این‌جوری هم می‌شود، چرا قبلا این‌جوری نبود؟ چرا قبلا با ۱۶۰ نفر می‌رفتند و هیچ اتفاقی نمی‌افتاد، ولی حالا هفت هشت نفری می‌روند و کلی اتفاق می‌افتد

امروز ولی ضمیر ناخودآگاه یقهام را گرفته و ول هم نمی‌کند. صبح داشتم این خبر را می‌خواندم: «وزیر ارتباطات اخیرا دستور داده ظرفیت پهنای باند اینترنت در ایران، ۱۰۰ روزه ۱۰۰ برابر شود، یعنی در عرض ۱۰۰ روز ۶۰ درصد به ظرفیت اینترنت کشور اضافه خواهد شد.» بعد ضمیر ناخودآگاه آمد روبه‌رویم ایستاد و زل زد توی چشمانم و گفت: اگر این‌جوری هم می‌شود، چرا قبلا این‌جوری نبود؟ یعنی قبلا هم می‌توانستند و نکردند؟ یعنی آن دولت قبلی... بعد هم گریه کرد!

ضمیر ناخودآگاه من دغدغه‌های فرهنگی هم دارد، مثلا می‌گوید: بی‌حاشیه و خیلی زود نماینده‌ی ایران در اسکار مشخص شد، اگر این‌جوری هم می‌شود، چرا قبلا این‌جوری نبود؟

بعضی وقت‌ها یاد دانشگاه و دوران دانشجویی می‌افتد و می‌پرسد: ستاره‌دارها دارند ثبت‌نام می‌کنند؟ اگر این‌جوری هم می‌شود، چرا قبلا این‌جوری نبود؟

خلاصه از صبح تا شب با این ضمیر ناخودآگاه درگیرم! یعنی کلافه‌ام کرده است، دائم می‌پرسد اگر این‌جوری هم می‌شود، چرا قبلا این‌جوری نبود؟ و بعد من را می‌برد به گذشته و همان‌جا ول می‌کند تا عذاب بکشم. مثلا وقتی خبر ۱۰۰ برابر شدن پهنای باند را خواندم، من را برد به دورانی که هنوز دایبل‌آپ بود و برای باز شدن سایت‌ها نذر می‌کردیم. بعد پرت‌م کرد به همین یکی دو سال پیش که برای باز شدن سایت سازمان سنجش باید دعا می‌کردیم. نمی‌دانم از دست این ضمیر باید چه کنم؟ حتا دیشب که همسرم ناهار امروز را هم پخت و گذاشت کنار، ضمیرناخودآگاه آمد و گفت:

اگر این‌جوری هم می‌شود، چرا قبلا این‌جوری نبود؟

الآن که خبر داده، جان کری گفته است، حتی زودتر از ۶ ماه می‌توان با ایران به توافق رسید! ضمیرم دارد دادوبیداد می‌کند که پس چرا آن همه سال فقط رفتیم توی جلسه و تنها کاری که کردیم، این بود که قرار جلسه‌ی بعد را بگذاریم، چرا الآن این‌جوری است؟

گمانم همین روزها باید ضمیرم را به یک روان‌پزشک نشان بدهم. شاید فرصی چیزی تجویز کند، این ضمیر دست از سرم بردارد.

نسیم سلطانی نژاد

چوپان دروغگو!



چوپانی بود و گله ای داشت.چوپان هر روز گله اش را برای چرا میبرد.یک روز که حوصله اش سر رفته بود، با خودش گفت:بذار یخورده مردم روستا رو سرکار بذارم ،تا یکم بخندمو تفریحی کرده باشم.شروع کرد بلند بلند صدا زد آی مردم کمک کمک ... گرگ گرگ... گرگ به گله حمله کرده... کمک کمک...

مردم روستا هم تا صدای کمک خواستن چوپان رو شنیدن، با چوب و داس و هر وسیله ای که بشه باهاش گرگ رو بکشن رفتن کمک چوپان.سراسیمه رسیدن ،اما دیدن از گرگ خبری نیست و گوسفند ها در حال چرا هستند و همه چیز عادی و خوبه.تازه دیدن چوپان اون وسط از شدت خنده رو زمین افتاده و به قیافه ی مردم که سراسیمه و متعجب بودن ،داره میخنده. خلاصه رییس جمهور کلی خندید و مردم جهان هم که دیدن خبری از گرگ نیست و انگار سرکاری بوده ناراحت و پیچ پیچ کنان به کشورهاشون برگشتند. آقای پرزیدنت که دید سرکاری قبلی خیلی باحال و بامزه بود و کلی سرگرم شده باهاش، دوباره تصمیم گرفت جهان رو سرکار بذاره .دوباره فریاد زد کمک کمک کمک... بمب بمب بمب اتم ... یکی از کشورها به اسم ایران داره به بهانه ی انرژی صلح آمیز ،بمب اتم میسازه ه ه ه کمک کمک ... بمب اتم ...

دوباره مردم جهان با تمام تجهیزات نظامی خودشون اومدن کمک آقای پرزیدنت.تا رسیدن دیدن دوباره طبق گزارش های آژانس بین المللی ، تو ایران هیچ خبری از بمب اتم نیست و آقای چوپان دروغگو دوباره داره هر بهشون میخنده. دوباره مردم ناراحت و پشیمون به روستا برگشتن . چوپان دروغگو که کلی تفریح کرده بود و مردم رو سرکار گذاشته بود ، داشت خاطرات لحظات قبل رو مرور میکرد و میخندید که بهو دید از پشت تپه ها داره صدای زوزه ی گرگ میاد.لبخند رو لبش خشکید و ترس برش داشت .تا اومد چوب دستیشو برداره ، یدفه چندتا گرگ از پشت تپه ها به گله حمله کرد .چوپان که خشکش زده بود یه لحظه به خودش اومد و صدا زد گرگ گرگ ... کمک کمک کمک... مردم کمک کمک...

ولی هیچ خبری از مردم نبود که نبود و گرگها کل گله رو دریدند و یه آبم روش.و آقای پرزیدنت تک و تنها شاهد از دست رفتن آبرو ومال و سرمایهش بود .آقای چوپان دروغگو، دیگه دستت برا مردم رو شده ...

رحمان فلاح باقری

به خاطر عشق است که...



به خاطرعشق است که فداکاری میکنم بخاطرعشق است که به دنیا با بی اعتنایی نگاه مینگرم وابعد دیگری رامیایم به خاطر عشق است که دنیا را زیبا میبینم وزیبایی رامیپرستم بخاطرعشق است که خداراحس میکنم اورامی پرستم وحیات هستی خودرا تقدیمش میکنم. این قسمتی ازوصیت نامه ی شهیدچمران است.

که میتوان فهمید چقدرعاشق بوده اند چقدربا عشق زندگی خودراتقدیم کرده اند ایا واقعا ما به اندازه ی انها عاشق هستیم!

اگرعشق درتک تک لحظه های زندگیمان جاری بودما هم میتوانستیم باعشق به دیگران کمک کنیم باعشق رازونیازکنیم باعشق انتظارمولایمان رابکشیم باعشق باعث سرافرازی کشورمان شویم این معجزه ی عشق است وجه زیباست عشق های معنوی عشق هایی ازنوع پرکشیدن که روح ادم راجلامیدهند وجه لحظه ی نابی ست جان دادن درنقطه ی رهایی برای معشوقمان خداوند.

این گونه است که شهدا ما را عاشق خودکرده اند آنها پهلوان هایی بودندکه با مردانگیشان وغیرتشان وایمان قویشان راه رابرای ما آسان ترکردندوجه خوب است که ماهم جزو ادامه دهندگان راهشان باشیم.به قول شهید آوینی: ماگمان میکنیم شهدارفته اند ومامانده ایم درحالیکه زمان ما را با خودبرده است وشهدامانده اند... وجه زیباست که درلحظه های سختیمان یاد ما درمان حضرت زهرا (س) ببفتیم که چگونه دردشوارترین نبردها توسل به ایشان راهگشای رزمندگان بود. وجه ابراهیم هادی هایی بودند با خصایص پوریای ولی. امروززنده نگه داشتن یادشهداکمترازشهادت نیست...پس ماهم یادشهدارازنده نگه میداریم به امیدشهادت...

یاسمن صدر

دی : شهید: سیدمحمد ترابی

«ای کاش می توانستم حق نعمت ولایت فقیه را ادا کنم. مردم متحد باشید که تفرقه آرزوی دیرینه دشمنان ماست. در میدان های نبرد حضور پیدا کنید که شرافت و حفظ آبروی ما و اسلام در گرو همین جنگ است و اگر می خواهید در قیامت پیش اباعبدالله الحسین علیه السلام رو سفید باشید گوش به فرمان باشید و در سنگرهای نماز جمعه و دعای کمیل شرکت کنید.»

پهمن : شهید: محمد شریف زارع

«مادرم! شهادت میراثی است که از ائمه اطهار علیهم السلام ، پس دلیلی ندارد که از شهادت به خود هراس راه دهیم و به قول اماممان شهادت سعادت است و هر کسی لیاقت این سعادت را ندارد.»

اسفند : شهید: قاسم صالحی

«از امت مسلمان ایران می خواهم از اسلام که امانت است محافظت نمایند؛ زیرا سعادت دنیا و آخرت ما در این است... به خواهران توصیه می کنم که به دنبال حقیقت اسلام بروند و حجاب خود را حفظ نمایند. به ملت توصیه می کنم از امام و دولت و مجلس حمایت کنند و تا آخر پشتیبان اسلام باشند.»

مهر : شهید: رحیم گرابی

«دشمن بداند مکتب ما بر حق است و تا آخرین نفر از آرمان مقدس اسلام به رهبری امام امت خمینی بت شکن دفاع خواهیم کرد.»

آبان : شهید: محسن محقق یزدی

«پدرم! تو شیرینی زندگی را در وجودم بهتر احساس می کنی؛ لیکن اینک من زندگی را در چیز دیگری احساس می کنم و آن ثبات میهن و نبرد با دشمنان آیینم است. آری! زندگی دلنشین داشتن یعنی در محوطه دور از سلطه بیگانه و مردن در میدان نبرد با بیگانه. آنان که نه تو را و نه مرا و نه میهن و مکتب ما را می خواهند. پس با وجود آنها زندگی مفهومی ندارد.»

آذر : شهید: کاظم سیجانی

«اسلام را یاری کنید و هرگز امام عزیز را تنها نگذارید و به رزمندگان اسلام کمک و همیشه جبهه ها را گرم کنید.»

تبر : شهید: محمدمهدی حقیقی

«آری! در زمان بسیار حساسی واقع شده ایم. زمانی که همگی ما آرزوی آن را داشتیم و در آن روز می گفتیم: ای کاش ما بودیم و حسین را یاری می نمودیم. بدون شک همان زمان فرا رسیده و هم اکنون فرزند حسین ندای یاری می طلبد در مقابل یزید ملعون و چه زیباست که به سخنان خود جامه عمل بپوشانیم و به یاری این مرد خدا و فرزند حسین بشتابیم و اگر لحظه ای دیر نماییم ضرر کرده ایم.»

مرداد : شهید: شکرالله طاهری

«امت عزیز! از روحانیت جدا نشوید. جدایی از روحانیت جدایی از اسلام است. با کسانی که با روحانیت بد هستند و با آنها سر مخالفت برداشته اند با تمام قدرت در برابر آنها بایستید که ایستادن در مقابل دشمنان روحانیت، دفاع از اسلام است.»

شهریور : شهید: احمد ضیایی

«ای برادران و خواهران! بدانید هدف از آمدن آین بنده گنهکار دست کشیدن از زندگی و آمدن به جبهه است. من هرچه فکر می کنم می بینم جبهه به ما نیاز ندارد و من چه بیایم و چه نیایم این انقلاب خدایی است و هیچ کس دیگر نمی تواند جلوی این طوفان را بگیرد؛ چون خدا با انقلاب است.»

فروردین : شهید: اکبر میرزاجانی

سعی کنید دیگر برادرانم را به جهاد علیه کفار بفرستید. تا آخرین قطره خونتان پیرو خط امام و انقلاب عزیزمان باشید. همیشه در خط حزب الله باشید و هیچ گاه به دنیا فکر نکنید.»

اردیبهشت : شهید: محمد صادق پور فردویی

«سفارشم به آنان که راهی را که من رفتم و اسلام و انقلاب را قبول دارند؛ امام را تنها نگذارند. از هیچ فداکاری جانی و مالی در راه اهداف این رهبر و این نعمت بزرگ الهی دریغ نکنید. بدانید که راه او راه خداست و فرمان او فرمان خداست. بدانید که معیار پایبندی به اسلام پیروی از رهبر است.»

خرداد : شهید: حسین پانیردان

«ای مردم! به خون تمام شهدا شما را قسم می دهم که به موازین و مقدسات اسلام احترام بگذارید. پیرو خط رهبری باشید. ای مردم! به خدا قسم قیامتی هست و برای این که سعادتمند شوید اعمال نیک انجام دهید. قدر هم را بدانید و به یکدیگر احترام بگذارید.»

فریاد «مرگ بر آمریکا»؛ برخلاف اسلام!!!

بار الها! ملت مجاهد ما در این برهه زمان، با چه حوادثی و با چه چهره هایی مواجه است؛ عصری که حکومت‌های مسلمین آن‌چنانند و رسانه های گروهی آن‌چنان و ابرقدرتها این‌چنین، عصری که باطل را به صورت حق به خورد مردم می دهند و جنایات را به صورت صلح طلبی، عصری که دشمنان اسلام و مسلمین با ملت های مستضعف، آن می کنند که چنگیز نکرد و اکثر حکومت‌های مسلمانان، در جنایاتی که بر ملت‌های خود می رود، از جانبیان طرفداری می کنند، عصری که فریاد مرگ بر اسرائیل و آمریکا، برخلاف اسلام تلقی می شود!

صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۵۰ - ۵۱

سرمقاله

« ما از تحرّک دیپلماسی دولت حمایت میکنیم، پشتیبانی میکنیم. در کنار آمادگی‌های همهجانبه‌ی مِلّت ایران - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ امنیّت داخلی، چه از لحاظ استحکام ساخت درونی نظام اسلامی، چه از لحاظ وحدت ملّی و چه از لحاظ نظامی - به تلاش و تحرّک دیپلماسی هم چه در این قضایای سفر اخیر و چه غیر از آن، اهمّیّت میدهیم و از آنچه دولت ما انجام میدهد و تلاش‌های دیپلماتیک و تحرّکی که در این زمینه میکنند، حمایت میکنیم. البتّه برخی از آنچه در سفر نیویورک پیش آمد، به نظر ما بجا نبود؛ لکن ما به هیئت دیپلماسی مِلّت عزیزمان و دولت خدمتگزارمان خوشبین هستیم؛ البتّه به آمریکایی‌ها بدبینیم؛ به آنها هیچ اعتمادی نداریم.»

امام خامنه ای (مدظله العالی)

ابتدا با یک سوال بحث خود را آغاز میکنم. چرا آقای روحانی بعد از گذشت سی و اندی سال از انقلاب شکوهمند اسلامی حاضر به مذاکره(تلفنی)با آمریکا شد؟

مواضع یا آرمان‌های ما تغییر کرده است یا اهداف شوم آمریکایی‌ها؟ دولت تغییر کرده است اما آرمان‌ها و مواضع کشور همان مواضعی است که امام ما تبیین کرده، همان چیزهایی است که در سخنان ماندگار و فهیمنانه امام بجای مانده است.

مواضع ما همان چیزهای است که رهبرمان همیشه میگوید اما چه

نرمش قهرمانانه

میدان داری ... نه از دست دادن میدان

بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال ها پیش نام گذاری شد «نرمش قهرمانانه»

جمله ای بود که واکنش های متفاوتی را در عرصه ی سیاسی واجتماعی ومسلما در عرصه ی بین الملل به همراه داشت. اما واقعا محتوای اصلی این پیام خاص چیست؟

در حقیقت نرمش قهرمانانه، نرمشی هوشمندانه ومقتدرانه در برابر دشمن، با هدف در اختیارگرفتن میدان است که هیچگونه پیام عجزی را به همراه ندارد.باید دانست که نرمش قهرمانانه یک استراتژی نیست، بلکه یک تاکتیک است.برای رسیدن به آرمان ها، اهداف، اصول و ارزش های عالی‌ه ی انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی، تغییر تاکتیک به هیچ عنوان مترادف با تغییر اصول، اهداف بنیادین و استراتژی ها نیست، نکته ی دیگرآنکه، در نرمش قهرمانانه هیچ گاه از دشمن به عنوان دوست تعبیر نمی شود وماهیت دشمن تغییر نمی یابد. در این میان باید سه اصل "عزت"، "حکمت" و "مصلحت" به صورت کامل مدنظرقرارگیرد. "نرمش قهرمانانه " ترجمه عملیاتی این ۳ اصل است، یعنی با حفظ عزت واقتدار واز روی حکمت ومصلحت، تغییر تاکنیکي در عرصه ی سیاست خارجی، آن هم درچارچوب اصول ثابت سیاست خارجی انجام گیرد. نرمش قهرمانانه صلح امام حسن(ع) نیست، بلکه همانند صلح حدیبیه است که منجر به فتح مکه شد! امروزه با توجه به شرایط بین الملل وتلاش نظام سلطه برای ضربه زدن به ایران اسلامی به بهانه هایی چون پرونده هسته ای، این رویکرد به مثابه پویایی دیپلماتیک

کی با احمد کار داشت؟

یک قناسه چی ایرانی که به زبان غربی مسلط بود اشک عراقی ها را درآورده بود. با سلاح دوربین دار مخصوصش چند ده متری خط عراقی ها کمین کرده بود و شده بود عذاب عراقی ها. چه می کرد؟
بار اول بلند شد و فریاد زد: «ماجد کیه؟» یکی از عراقی ها که اسمش ماجد بود سرش را از پس خاکریز آورد بالا وگفت: «منم!»

ترق!
ماجد کله پا شد وقل خوردآمد پای خاکریز و قبض جناب عزرائیل را امضا کرد! دفعه بعد قناسه چی فریاد زد: «یاسر کجایی؟» و یاسر هم به دست بوسی مالک دوزخ شتافت! چند بار این کار را کرد تا اینکه به رگ غیرت یکی از عراقی ها به نام جاسم برخورد. فکری کرد و بعد با خوشحالی بشکن زد و سلاح دوربین داری پیدا کرد و پرید رو خاکریز و فریاد زد: «احمد اسم کیه؟» و نشانه رفت. اما چند لحظه ای صبر کرد و خبری نشد.

کنیم که به گوش ندادن و تعبیر و تفسیرهای راحت طلبانه ی خود و در نتیجه ی آنها ضرر کردن عادت کرده ایم!!!نرمش قهرمانه،که رهبر انقلاب قبل از سفر دولت بیان کردند اما سخن رهبر کجا و عمل حضرات کجا...وباز هم ضرر و پشیمانی...

مواضع ما همان مواضع و آرمان‌هاست حال بررسی میکنیم شاید آمریکایی ها سر عقل آمده و از مواضع نابود کننده و مرموزانه خود کوتاه آمده اند.موضع و حمایت آمریکاییها نسبت به رژیم بچه کش و اشغالگر صهیونیستی تغییر نکرده است و همان حمایت مرموزانه قبلی است ماجرای حمله به سوریه وافکار خبیثانه ی کدخدایی در خاورمیانه و ظلم و ستیز با جهانیان و... این افکار پلید هم ثابت مانده وحتى به شدت آن نیز افزوده شده است. مواضع دو کشور ۱۸۰درجه تفاوت دارد پس زمانی مذاکره معنا پیدا میکند که یکی از دو کشور از مواضع خود کوتاه آید و تا زمانی که آمریکایی ها سر عقل نیامده اند مذاکره با آنان نه تنها مشکلات ما را حل نخواهند کرد بلکه به تعداد وشدت آن می افزاید.

سیاست آقای دکتر روحانی سیاستی است بسندیده این را سخنرانی هوشمندانه ی ایشان در مجمع عمومی سازمان ملل نشان داد.البته که اقدامات نابجایی که در سفر ایشان صورت گرفت قابل جبران است و امیدواریم که دیپلمات های کشور در مذاکره با گروه ۵+۱ از مواضع کشور و مردم و همچنین حقوق حقه ی! این ملت به طور احسن دفاع کنند

حسین حاجی زاده



و روندی اصلاحی در سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی تفسیرمی گردد که تامین حداکثری منافع ملی را در نظر دارد. در این رویکرد، شاهد تعادلی میان واقع بینی وآرمان گرایی هستیم که به نظر میرسد از توان اجماع ساز فزاینده‌ای، در میان نخبگان سیاسی کشور، برخوردار است. امری که بی گمان با رهبری مدبرانه ی مقام معظم رهبری، اقتدار و وحدت ملی لازم را برای عبور از" پیچ های تاریخی" فراهم می آورد.

(ترجمه آیات ۶۱ و ۶۲ سوره ی مبارکه ی انفال)
و اگر به صلح گزاییدند تو آنیز[بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست (۶۱) و اگر بخواهند تو را بفریبند [یاری] خدا برای تو بس است اوکسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان ، نیرومند گردانید (۶۲)
حمیدرضا شاهمیرزایی

با دلخوری از خاکریز سر خورد پایین. یک هو صدایی از سوی قناسه چی ایرانی بلند شد: «کی با احمد کار داشت؟» جاسم با خوشحالی هول و ولا کنان رفت بالای خاکریز و گفت: «من!»

ترق!

جاسم با یک خال هندی بین دو ابرو خودش را در آن دنیا دید!

فاطمه پزشک



گزارش خبری

طرح عمارها



موضوع:

پشت پرده سفر دکتر روحانی به نیویورک

سخنران:دکتر محمد مهدی نادری قمی

مکان:سالن آمفی تئاتر شهید ارسلان

زمان:دوشنبه ۲۲مهرماه۹۲

در ابتدای مراسم آیاتی چند از کلام الله مجید تلاوت شد. دکترنادری ابتدا به بیان دیدگاه انتخاباتی آقای روحانی پرداخت ایشان افزود:آقای روحانی یک دیدگاه خاص نسبت به آمریکا در انتخابات داشت.از نظر ایشان دیدگاه کلی آقایون این است که ما باید به دیدگاههایی امثال جوی بایدن بیشتر توجه کنیم ونه دیدگاههایی امثال بوش و سعی بر این است تا تاکتیک هایی را اتخاذ کنیم که در بین سیاست مداران آمریکایی تفکری مثل جوی بایدن ایجاد کنیم.

در این سفر روحانی جوری صحبت کرد که حساسایت آمیز نباشد و هنگامی هم که از ماجرای هولوکاست سوال کردند گفت من تاریخ دان نیستم.از نظر آقای نادری نرمش قهرمانانه یعنی اینکه مذاکره در حد وزرا عیبی ندارد ولی در مورد رییس جمهورها صلاح نیست.البته چیزی که ما(مردم) دیدیم خلاف آن بود حال سوال اینجاست که چرا آمریکا و خود شخص اوباما اصرار به مذاکره دارند؟

اوباما در طرح جنگ علیه سوریه شکست خورد و با این مذاکره محبوبیت از دست رفته خود را دوباره بدست می آورد. آنهاهمیخواهند بگویند فشارهای ما و تحریم ها، ایران را تسلیم و ادار به مذاکره کرد.

البته دور زدن تحریم ها راه حل های زیادی دارد از جمله: مقاومت اقتصادی و توجه کردن به پیشرفت های بعد از انقلاب مثل فناوری نانو و

این تحریم ها فقط باعث فضا سازی ذهنی بین سیاست مداران ما و ترساندن آنها شده و آنها را به فکر مذاکره و سازش انداخته اند با توجه به الگو سازی انقلاب اسلامی در منطقه و بیداری اسلامی با این مذاکره می خواهند به کشورهای دیگر نشان دهند که ایران پس از ۳۴ سال تسلیم شد حال شما که جای خود دارید.

البته یکی از عناصر تاثیر گذار که در برخی از رسانه ها به عنوان رییس جمهور پشت پرده معرفی شده، می گوید ما اگر بخواهیم مشکلاتمان را حل کنیم باید به کد خدا مراجعه کنیم که این کد خدا همان آمریکا است.

تحلیل نویسنده از این اظهار نظر:کسی نیست به ایشان بگوید این همان آمریکاییست که در دوران قبل از انقلاب با ایران رابطه صمیمی داشت، تاکی؟تاوقتی که منافع شخصی خود را در خطر دید و مردم ایران حق خودشان را بخواهند.حال هم همان است. ما به دولت آمریکا اعتماد نداریم بلمه به مسئولین خود اعتماد داریم، خوشبین هستیم و از آنها می خواهیم با ملاحظه همه جوانب گام ها را درست بردارند، محکم بردارند و منافع ملی را یک لحظه به فراموشی نسپارند.

علیرضا شاهسونی

چه خبر؟! از کجا!!

دانشجویان عزیز می توانند سوالات و مطالباتی را که از مسولین دانشگاه دارند به شماره زیر پیامك کنند و در شماره بعدی نشریه جواب خود را دریافت کنند.

۳۰۰۰۷۶۵۴۳۲۱۰۸۴

روزنه بصیرت

وظیفه ما دقیقاً مبارزه با آمریکای جهان‌خوار

جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان‌خوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه ای آشتی ناپذیر دارد و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه آمریکا شروع کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرازند. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است، ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱

نگاه اسلام به زن

سلام خدمت تمامی مخاطبان مجله روزنه ی بصیرت.

با کسب اجازه از بانوی دو عالم حضرت فاطمه (س) سعی دارم در یک سلسله از مطالب که برگرفته از کتاب حقوق زن در اسلام ،از آثار گرانبهای شهید مطهری است برخی ازشبها ت و تصورات اشتباه در مورد نگاه اسلام به زن را برطرف کنم.

مقام انسانی زن از نظر قران کریم : فلسفه اسلام در مورد حقوق زن و مرد به گونه ای است که پاره ای از حقوق و تکالیف و مجازات ها را برای مرد مناسب دانسته پاره ای از آنها را برای زن و در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی را در نظر گرفته است که این فلسفه بر خلاف اعتقاد برخی از جوامع امروزیست .

حال دراینجا با شبها ت فراوانی روبه رو می شویم که در نگاه اول اسلام را متهم به نگاه تحقیر آمیز به زن می کند وبا سوالاتی از قبیل اینکه، اگر اسلام زن را موجودی تمام عیار می دانست پس چرا تعدد زوجات را تجویز کرد؟چرا حق طلاق را به مرد داد؟ و یا چرا شهادت دو زن را برابر با یک مرد می داند، سعی دارند به این نتیجه برسند که اسلام برای زن و مرد حقوق مشابه و مساوی قائل نیست.پس زن را یک انسان واقعی به شمار نمی آورد. در جواب این استدلال باید گفت :شک نیست که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی،برابری آنها در حقوق انسانی است اما تشابه آنان در حقوق چطور؟ آیا لازمه تساوی حقوق تشابه حقوق هم هست؟

باید گفت تساوی غیر از تشابه است،تساوی برابری است و تشابه یکنواختی. اسلام حقوق یکجور و یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده است ولی هرگزامتياز و ترجیح حقوقی هم برای مرد نسبت به زن قائل نیست .اسلام اصل مساوات انسانها را درباره ی زن و مرد رعایت کرده است و در واقع با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست با تشابه حقوق آنها مخالف است. برای روشن کردن کامل این امر نخست به نظر اسلام درباره ی مقام انسانی زن از نظر خلقت و آفرینش می پردازم.

اسلام زن و مرد را دارای یک ظرفیت و سرشت می داند و با کمال صراحت در آیات قران می گوید:زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم. قران در مورد آدم اول می فرماید:همه ی شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم .(نساء:آیه ۱)

عرفه

کشتن آنچه به آن وابسته هستیم درعرفه و عید قربان از روزهای خداوند روزی به نام عرفه است . که از روزهای عظیم اوست .

واقعا عرفه چه روزی است ! هدف از این روز چیست !

در عرفه طلب توبه و التماس از درگاه

حق تعالی و آمادگی برای قربانی کردن ، آن چه به آن وابسته هستیم و دوستش داریم . به چه چیزی وابسته هستیم !!!!! قربانی کردن نفس خویش از گناهان و هدیه به خداوند ، برای رسیدن و یا نزدیک شدن به حقیقت خداوند و عالم هستی .

دعای عرفه امام حسین (ع) که سرشار از نور و حقیقت ، و عشق بازی با خداوند است ، اشاره به این موضوع دارد که به تمام جوارح و اعضای بدن خویش قسم میخورد و میگوید که آن را تقدیم به خداوند میکنم . که در عاشورا همینگونه شد .

می توان به این موضوع هم پرداخت که مردم کوفه همین نفس و وابستگی به دنیایشان باعث شد که امام حسین (ع) در کربلا تنها و غریب بماند . مردمی که وابسته به مال دنیا ، همسر و فرزند ، قدرت ، ترس و بودند. حالا این سوال پیش می آید که آیا ما می توانیم نفس و وابستگی خویش را در عرفه بخشیم و در روز عید قربان آن را در راه خدا و عشق به او قربانی کنیم . آماده لبیک واقعی به حضرت مهدی (عج) باشیم . یک منتظر واقعی . که اگر هر کسی به این درجه و مقام برسد یقینا امام غایب خویش را درک می کند و شاید توفیق فرج شخصی به آن فرد نائل شود .

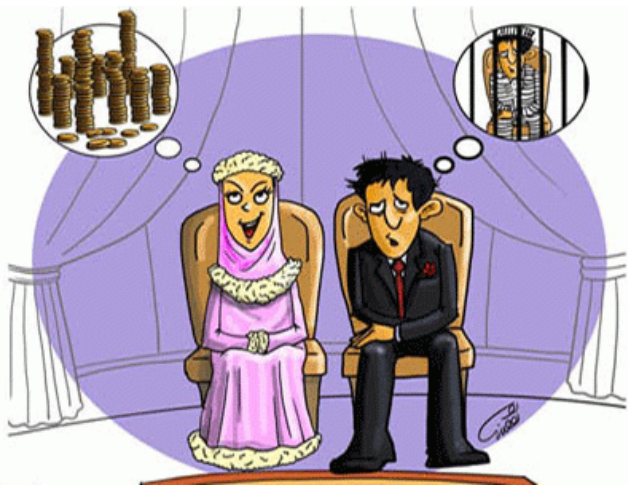
بیایید فکر کنیم تا روز عرفه و عید قربان که نفسمان در کجا مشکل دارد و وابسته به چه چیزی در این دنیا هستیم. شاید بتوانیم آن را درروز عرفه وعید قربان در وجود خویش به قتل رسانیم . ان شاء الله

میثم محمدی

زندگی را

به مهریه های سنگین

نفروشیم



تو به من سنگ زدی من نه رمیدم نه گسستم

باز گفتم تو صیادی ومن آهوی دشتم

تا به دام تو درافتم همه جارا گشتم وگشتم

با تو گفتم من راز عشق؟! ندانم

سفر از پیش تو هرگز نتونم نتوانم.....

چه بسا عاشقان دلداده ای که این شعر را عاشقانه نثار یار خود کردندوبا تحمل هزاران رنج وسختی های طاق ت فرسا و به جان خریدن کرشمه ها واداهای رنگارنگ معشوق نازپرورده و خانواده گرمایش بالاخره به وصال یار خود رسیدند.واینک پس از گذشت چندماه از زندگی مشترک تازه فهمیده اند که طرز فکر وشویه فرهنگ اجتماعی وفردی آنها با یکدیگر فرسنگ ها فاصله داردو صد البته این عاشق دلداده نگون بخت همینک با اجرای عندالمطالبه مهریه عزیزتر از جانش روبرو شده.....

یکی از موانع مهم پیش روی ازدواج جوانان کشورمان بالا بودن مهریه خانم ها و افزایش روحیه تجمل گرایی است.

به گونه ای که متاسفانه این تفکر غلط در میان بسیاری از خانواده ها جا افتاده که بالا بودن مهریه دختر خانم ها حافظ شخصیت خانوادگی آنها ومتضمن بقای زندگی مشترک زوجین خواهد بود. اما تحقیقات در این زمینه نشان می دهد مهریه های سنگین نتوانسته اند باعث کاهش آمار طلاق گرددچه بسا افرادی که مهریه نجومی تعیین کرده اند اما به دلیل مشکلات متعددی که پس از ازدواج میان زوجین پیش آمده از هم جدا شده اند وعروس خانم ها برای رهایی از مهلکه، از مهر وتما می حق وحقوق خود گذشته است و به قانون عامیانه «مهرم حلال جانم آزاد پناه برده است.»

مهریه از دیدگاه اسلام:

در سوره نساء آیه ی «وَأَتُواالنِّسَاءَ صَدَقَاتِهِن نَحْلَه»

«صداق های زنان را به عنوان بخشش وهدیه پرداخت کنید.»

با توجه به ای آیه فایده وحکمت تعیین مهر از نگاه اسلام تنها جنبه مادی واقتصادی نداردبلکه بسیاری از ابعاد معنوی وتربیتی لطیف که حاکی از پیوند محکه بسیاری از ابعاد معنوی وتربیتی لطیف که حاکی از پیوند محبت وعشق وبقا وتکامل بوده نیز منظور شده است.به گفته حضرت آیت الله جوادی آملی در کتاب زن در آیینه جلال وجمال فلسفه ی مهریه را می توان در امور ذیل خلاصه کرد:

۱-مهریه تجلی فطرت وطبیعت است.

۲-مهریه قانون عشق وجذب است.

۳-مهریه پاداش و نشانه ی حیا وعزت زن است.

۴-در بعضی موارد مهریه باعث بقای خانواده و مانع از فروپاشی آن است. بنابراین مهریه باید به اندازه ای باشد که هنگام در خواست زن،پرداخت آن از سوی شوهر ممکن باشد.

حمیده جهانشاهپور

و درباره ی همه ی آدمیان می فرماید:خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید. قران نظریات تحقیرآمیزی که در باره ی زن بیان می شود را رد می کند که به نمونه هایی از آن اشاره می کنم. یکی از این نظریات این است که می گویند آدم اول که فریب شیطان را خورد و از بهشت سعادت بیرون رانده شد ،از طریق زن بود،شیطان حوا را فریفت و حوا آدم را.



قران آنجا که پای وسوسه شیطان به میان می آید ضمیرها را به شکل تشبیه می آورد و می فرماید :

«فوسوس لهما الشیطن» (اعراف آیه ۲۰)

شیطان آن دو را وسوسه کرد

«فدلهمبا بغرور» (اعراف۲۲)

شیطان آن دو را با مکر و فریب از مقام و منزلتشان فرود آورد.

«وقاسمهما انی لکما لمن النصحين»(اعراف۲۱)

یعنی شیطان در برابر هر دو سوگند یاد کرد که جز خیر شما را نمی خواهم.

یکی دیگر از این نظریات این است که زن را مقدمه وجود مرد می دانند ومی گویند زن برای مرد آفریده شده است.

اسلام در این باره با صراحت کامل می گوید :زمین و آسمان،ابر و باد ،گیاه و حیوان،همه برای انسان آفریده شده اندو هرگز نمی گوید برای مرد آفریده شده اند.اسلام می گوید هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند «هن لباس لکم و انتم لباس لهن»(بقره آیه ۱۸۷)

زنان زینت و پوشش شما هستند وشما زینت و پوشش آنها.

حال از آنچه که گفته شد چه برمی آید؟ آیا اسلام از نظر فکر فلسفی و از نظر تفسیر خلقت دید تحقیر آمیزی نسبت به زن داشته است؟ یا بالعکس سعی در پاسخ محکم به این نگاه دارد؟

فرزانه ابراهیمی

مناجات

به نام خداوند بخشنده مهربان

خداوندی که نقش انداخت بر زمین و برق انداخت بر آسمان، گردی حکمتش را می بینی .پس چشمانت را حفظ کن.زیبایی نقش زمین را بنگر که چه سودای وصال دارد، وصالی بی مثال. به خودت بنگر ای آدمی، که چه پیچیده و چه ساده ای. تو مخلوقی! گوش کن تو مخلوقی... تو خالق نیستی...!تو کشف می کنی پس مکشفی! پس نگریستن خود را ساده مپندار... از ریزترین ذرات وجودت تا... .

پس می توانی با توجه به خودت ، خدایت « خالقت» را بشناسی . انکار مکن!تو خالقی داری بی همتا که از رگ گردن هم به تو نزدیکتر است... . کوچک ترین و بزرگ ترین عمل تو را می بیند. تو از دید او پنهان نیستی! پس سعی مکن در هر گریز خود را از او دور کنی... هم قدمت .. هم رازت .. هم نشینت..خدای برحق است.

خدایی که تو را اشرف مخلوقات خواند . شرم کن به حرمت اشرافت بر تمام مخلوقات... شیطان آن دشمن دیرینه را شاد مکن! از خدای مهربان که هر لحظه از گناه تو می گذرد شرم کن..!

خدا یا ! ما امید عفو و بخشش داریم..از گناهمان درگذر..خدایا اگر بخشش تو نبود به چه امید به زندگی خود ادامه می دادیم؟!..ما شرمزدگان گناهمان از سر بی خبری بوده ...برما ببخشای! ما امید داریم که در گذر زمان تو را بیشتر بشناسیم و ایمانمان به تو بیشتر گردد.

فاطمه شمس



بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر یک غفلت بشود، مملکتتان از بین می رود. غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا، هرچه فریاد دارید، سر (آمریکا) بکشید، هرچه تظاهر دارید، بر ضد آن بکنید.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱

روزنه بصیرت

آزادی !!!

یکی از اموری که از دیر زمانی فکر بشر را به خود معطوف کرده است و بسیاری از دانشمندان و متفکران را به تکاپوی اندیشه و قلم وا داشته است و مصلحان را به دعوت و قیام و جهاد فرا خوانده است، مساله آزادی سیاسی است . اهمیت این امر برای بشر آن قدر زیاد است که در همه اعصار برای رسیدن به آن و برای حاکمیت آن در جامعه جانفشانی کرده‌اند، اما حقیقت آزادی چیست؟ منشا آزادی و ریشه آن کجاست؟

صدها سال است که اندیشمندانی با جهان‌بینی‌های مختلف، درصدد جواب به این پرسش‌ها برآمده‌اند .حاصل فکر آنان، مکتب‌های اجتماعی و سیاسی و نظام‌های حکومتی گوناگونی را در جهان پراکنده است، اما چه بسیار از این مکاتب و ایده‌ها و نظام‌های سیاسی که در طول زمان به افول گراییدند و داغ آرمان آزادی بخشی را به دل پیروان خود نهادند . چه حکومت‌هایی که با ایده‌های نووفریادهای «آزادی؛ آزادی» به قدرت رسیدند، ولی رهاوردی جز استبداد و دیکتاتوری نداشتند .

اندیشمندان مسلمان، به جهت‌سابقه طولانی استعمار و استبداد جوامع اسلامی و عطش مسلمانان برای رهایی و آزادی، به این مهم، علاقه نشان می‌دهند و می‌خواهند سخن تازه‌ای عرضه کنند.

آزادی چیست؟

انسان، موجودی است تکامل گرا و رشدپذیر . انسان، زنده است و حرکت و تلاش دارد و برای هدفی والا آفریده شده است که باید به سوی آن برود . در مسیر رشد و تعالی، او، محتاج عواملی است که بدون آن، تکامل‌اش محقق نمی‌شود .بعضی از این عوامل، ایجابی و مثبت است، مانند تعلیم و تربیت صحیح و شکوفا کننده و فرهنگ صحیح حاکم بر محیط زندگی، و برخی سلبی و از امور عدمی است که نباید باشد، مثل قید و بند داشتن و اسیر بودن که از حرکت و رشد جلوگیری می‌کند . البته گاهی مانع، طبیعی است و جزء نوامیس خلقت است که رهایی از آن، نه مطلوب و ممکن است و نه کمال و مرغوب .

آزادی، رها بودن و یا رها شدن از قید و بندی است که نیروی حرکت انسان و اراده او را متوقف می‌کند و به زنجیر می‌کشد، چه این قید و بند، فعلیت‌یافته و سپس گسسته شود و چه شانیت اسیر کردن را داشته باشد، ولی شخص، خود را گرفتار آن نکرده باشد .

بنابراین، آزادی، مربوط به موانع فعل نیست، بلکه مربوط به موانع فاعل است؛ یعنی، چیزهایی که مانع ابراز فعالیت و ظهور اراده فاعل می‌شود . پس آزادی یعنی این‌که میدان عمل و تجلی اراده انسان باز باشد نه بسته و تنگ. در حیات اجتماعی انسان نیز برای رشد و خلاقیت انسان و شکوفا شدن استعدادهای نهفته او، علاوه بر عوامل مثبت، آزادی و نبود قید و بند، شرطی اساسی و لازم است که بدون آن استعداد انسان به فعلیت نمی‌رسد .

آزادی سیاسی که به تبع آزادی، با گوناگونی تعاریف و برداشت‌ها روبه روست، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی دولت‌های مدرن، به عنوان نقش مشروعیت بخش قدرت سیاسی مورد توجه است. آزادی مردم در احراز مناصب سیاسی و رقابت برای تصدی آنها و همچنین نقش و تأثیر ایشان در انتخاب رهبران و مسئولان حکومتی و نظارت بر آنان، مجموعه مباحث مهمی است که ذیل آزادی سیاسی و به عنوان دستاوردهای نسبتاً جدید بشری مطرح می‌گردد. این در حالی‌است که صدها سال پیش از آن، قرآن و پیامبر اکرم(ص) به نقش و جایگاه مردم اهمیت خاصی داده و با مکانیزم‌های

تاریخ نظام سرمایه داری

درقرون وسطی افراد کلیسا وکشیشان برمردم تسلط داشتند آنها دین مسیحیت را بطور ناقص برای مردم توضیح می دادند وبرای مردم بیان می کردند که هراتفاقی که می افتد اراده خداوند است مثلا اگر شخصی فقیرباشد نباید به دنبال ثروت اندوزی رود چون مخالف اراده خداوند است و آنها مردم را تفتیش عقیده می کردند ...

وحتی جاسوسانی دربین مردم قرار میدادند تا تفکرات مخالف راشناسایی ومخالفان را به فجیع ترین شکل شکنجه کنند وازطرفی تقابل بین علم ودین ایجاد شد ومردم ازدین زده شدند وخدا راباعث همه مشکلات می دانستند...

وبا رنسانس (انقلاب فرهنگی-ادبی)که درایتالیا رخ داد باعث شد انسان اروپایی نگرش ودیگاه وجهانبینیش تغییر کند وانسان غربی با تنگرس های جدیدی متولد شود واز اینجا است که تمدن غرب شکل میگیرد.

انسان غربی دقیقا عکس کلیسا رفتار می کرد. طبق گفته " فویرباخ " فیلسوف آلمانی قرن ۱۹ " برای انسان ،خداوند، انسان است " معتقد به اصالت فرد واومانیسیم است.انسان غربی معتقدبه عقل جدای ازوحی است وعلم را محصول عقل می داند.اصالت را به نفس خود میداند ومعتقد به جدایی دین از همه چیزاست وبا این نگرش تمامی مکاتبی که درغرب رخ می دهد ازاصالت فرد گرفته می شود .

«مشورت» و «بیعت»، همبستگی مشروعیت الهی حاکمان دینی با رضایت و مقبولیت مردمی را پیوند زده‌اند.حال به تعریف آزادی سیاسی می پردازیم!

تعاریف آزادی سیاسی

۱- آزادی سیاسی این نیست که هرکس هرچه دلش می خواهد بکند، بلکه در جامعه و حکومتی که قوانین حکمفرماست، آزادی معنای دیگری دارد. آزادی آن است که افراد آن چه را باید بخواهند، بخواهند و بکنند و آن چه موظف به خواستن آن نیستند مجبور نباشند انجام دهند.

۲- منظور از آزادی سیاسی به طور ساده عبارت از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی است که حکومت مردمی اقتضا می کند. این کارها اصولا شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آن ها شهروند بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند، و در حکومت تاثیر عملی داشته باشد.

۳- آزادی سیاسی حق فرد در مشارکت در کارهای دولت است از طریق حق رای دادن و انتخاب شدن و آزادی بیان و روزنامه نگاری و اجتماع.

۴- آزادی سیاسی قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن می توانند حق حاکمیت داشته باشند، خواه به طور مستقیم و خواه از طریق انتخاب نمایندگان.

۵- آزادی های عمومی آزادی هایی است که وسیلهء مقاومت مردم در برابر تجاوزهای دولت است. با تضمین این آزادی ها دولت نمی تواند به حقوق افراد تجاوز کند و در صورت تجاوز، مردم با استفاده از این حقوق به مقاومت بر می خیزند. مهم ترین اقسام این آزادی ها عبارت است از: آزادی مطبوعات و بیان، آزادی تشکل حزب و جمعیت، آزادی تظاهرات، آزادی تشکیل سندیکاها و اتحادیه های صنفی، آزادی انتشار کتاب.

۶- آزادی سیاسی آن است که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و یا در مجامع، آزادانه، عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید.

در تعریف اول، جملهء آن چه افراد باید بخواهند مهم و محدود است و در تعریف چهارم، آزادی سیاسی به حق حاکمیت افراد منحصر شده است. تعریف های دیگر به نسبت، جامع است.

به نظر می رسد آزادی سیاسی، آزادی فرد در صحنهء سیاست و به بیان دیگر، نبود فشار سیاسی است. حکمرانان، تنها محدود کنندگان آزادی سیاسی مردم اند و سعه و ضیق دایرهء آن، بسته به میزان اعمال قدرت آنان می باشد. اگر قدرتمندان سیاسی، مردم را در مواجهه و مقابله با خود رها کنند، آزادی سیاسی به طور مطلق بر قرار می شود، و اگر به تضییق این دایره بپردازند، آزادی سیاسی محدود می شود. با تعیین گسترهء آزادی مردم در بیان و عمل خویش و محدودهء مجاز اعمال قدرت حاکمان سیاسی در حکومت اسلامی، قلمرو آزادی سیاسی در نظام اسلامی مشخص می شود. در اندیشه سیاسی اسلام، آزادی بخششی نیست که از سوی دیگران به انسان اهدا شود، بلکه امری فطری و درونی است که خداوند در نهاد انسان

این انسان هدف زندگی خود راافزایش رفاه وافزایش ثروت و انباشت سرمایه می داند اواعتماد دارد که به هر طریق ممکن باید به ثروت رسید و هدف وسیله را توجیه می کند .اقتصادغربی هم مبتنی براصالت فرد وآزادی بیش ازحد است .

درواقع انسان درنظام سرمایه داری طوری پیش می رود که همیشه تشنه مسائل مادی ورفاهی دنیاست،همواره چیزی وجود دارد که او نداشته باشد واین امر درنظام سرمایه داری حدومرزی نداردکه درانجا انسان قناعت کند وبیشتر از ان نیازی نداشته باشد

محمد رحمانی پور



به ودیعه نهاده تا او خویشتن را از سلطهٔ دیگری برهاند . همچنین آزادی صرفا یک حق نیست، بلکه واجبی از واجبات الهی است و انسان حق ندارد از آن چشم ببوشد؛ چرا که چشم پوشی از احقاق حق مشروع ممکن است به مصالح عمومی لطمه بزند که این به هیچ وجه در اسلام پذیرفته نیست. و بالاخره آزادی در اسلام به مفهوم نفی سلطه نامشروع دیگران و استقلال فرد در بروز استعدادها و توانایی‌های خود است، مشروط به اینکه مبتنی بر قاعده «لاضرر و لاضرار» باشد؛ یعنی به منافع عمومی و مصالح دیگران آسیبی نرسد؛ بنابراین، در اندیشه سیاسی اسلام، نه تنها باور مستشرقانی چون موننگمری وات که معتقدند اسلام آزادی انسان را بر نمی‌تابد قابل پذیرش نیست، بلکه می‌توان ادعا نمود که متفکران اسلامی از آزادی به عنوان یک واجب دینی سخن گفته‌اند:

«دیدگاه اسلام در باب حریت بر این پیش فرض مبتنی است که شخص می‌تواند از تمامی آزادی‌ها بهره‌مند باشد مشروط به اینکه حقوق دیگران و مصالح کلی جامعه را نقض نکند. هرگاه آزادی از این حدود فراتر رود، عنوان تجاوز به خود می‌گیرد و مشمول محدودیت و حتی منع کامل می‌گردد. براساس قاعده کلیه لاضرر و لاضرار (hadith-cum-legal maxim)، قانون نباید در آزادی اشخاص مداخله کند، مگر در حد تنظیم موارد برخورد آزادی با دیگر حقوق و آزادی‌ها»

زهرابابی

منابع

صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴۹/۲

کمالی، آزادی در اسلام، ۱۹۴

همان، ۱۹۳

ابوفارس، محمد عبدالقادر، النظام السیاسی فی‌الاسلام، اردن: دارالفرقان، ۱۹۸۶ م.

احمد فواد، عبدالجمید، البیعه عند مفکری اهل السنه، قاهره، دار قبل، ۱۹۹۸م.

ارسطو، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.



دریک کلاس ۲۰ وچند نفره همیشه یکسری اختلاف نظرووجود دارد!! معمولاکسانی که ازقبل توی این کلاس بودند یکسری مسائل ومشکلات رانسبت به دانشجویانی که تازه آمدند بهترمیدانند و به اصطلاح مصلحت راباتوجه به اتفاقات قبل می سنجند واگرجدیدالورودها!! به این حرفها توجه نکنند چه بسا مشروطی هم بوجود بیاید...

ما ایرانی ها ضرب المثل معروفی داریم که این روزها شاید باید بیشتربه آن توجه کنیم :

اینکه" هیچ گربه ای محض رضای خدا موش نمیگیرد"..کلمه ی((رابطه با آمریکا)) این روزها نسبت به چندین سال قبل شاید مفهوم وبرداشت های دیگری پیدا کرده وبه نوعی دیگرسبک وسنگین شده است.برخی نیزبه این معتقدند که با رابطه عقاید و هویت و ...را تقدیم آمریکا میکنیم اما ملت ایران برای داشتن چنین کشوری خون های زیادی را ازدست داده ولطف های بی اندازه ی همین کشورها و امثال آن در این اتفاقات شامل حال ایران ومردم آن شده است!!!

تقریبا میتوان گفت که هیچ اتفاقی نیست که در ایران افتاده باشد(ازکودتای ۲۸ مرداد تا ترورشهدای هسته ای)و ردپای یکی ازکشورهای دلسوزنباشد. درهررابطه ودوستی طرفین معمولا چیزی را میان خود ردوبدل میکنند ازمحبت و...اما ایران در قبال این رابطه چه چیزی رابه میان می آورد؟ وبه زبان ساده تر آمریکا از ایران چه توقعی دارد؟دراین موردکشوری که باید قدرت بیشتری داشته باشد و به بیانی دیگرتعیین وتکلیف کند (باتوجه به حوادث گذشته واقدامات آمریکاعلیه ایران) کشورماست امااز آنجا که آمریکا تابع محض رژیمی بس غاصب است که ازابتدا خواسته ی کوچکش را مطرح کرده..بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم غاصب صهیونیستی در مصاحبه با شبکه «سی‌بی‌اس» گفته است:

"من مخالف مذاکره نیستم. اما ما دنبال اقدامات عملی هستیم. آنچه که ما می‌خواهیم خلع کامل توان هسته‌ای ایران است. تمام داشته‌هایشان. تمام آنچه که دارند را کنار بگذارند"...

اما می دانیم که برای اینکه بتوانیم پاسخگوی خونهای انقلاب و جنگ باشیم نباید اجازه دهیم نتانیاهوها برای ما سرو گردن فراز دهند!! البته با حمایت از تدبیر رهبری معظم و این نباید این روزها لابلای تعصبات کور گم شود! ما نباید پا جلوتر از ولایت بگذاریم!

از آنجا که ایران اسلامی طی چندین سال عزت وسربلندی خود را در دنیا حفظ کرده است اینبار نیز تهدیدها وخواسته ها را تبدیل به فرصت میکند ان شاءالله..

مهدیه نخعی